

تجارت و انتقال تکنولوژی به کشورهای جهان سوم

فصل پنجم

محمدرضا حافظ نیا



رابطه نتایج استقراض و قدرت سیاسی و اقتصادی

تکنولوژی یا دانش فنی مربوط به روشهای تولید صنعتی و کشاورزی و خدمات، در طول زمان سیر تکاملی داشته و از پیچیدگی برخوردار شده است و مکان جغرافیایی تمدن و تکنولوژی بشری نیز در طول تاریخ جابجا میشده است. تکنولوژی امروزه بشر که از انقلاب صنعتی روندی جهشی بخود گرفت و از سطح نسبتاً بالایی برخوردار میباشد در ساختمان قدرت ملی کشورهای دارنده آن نقش موثری دارد یعنی کشوری که از سطح تکنولوژی بالایی برخوردار است عملاً از قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی بالاتر برخوردار میشود. تکنولوژی جدید متأسفانه باعث تولید قدرت برای دولتها و کشورهایی شده است که از آن برای سلطه گری و اعمال زور و فشار و چپاول استفاده نموده و به میزانهای دینی و اخلاقی پایبند نمی باشند. دولتهای اروپائی آمریکا شوروی و ژاپن قدرت خود را مرهون تکنولوژی جدید بوده و در پرتو آن به چپاول کشورهای جهان سوم بطور مستقیم و غیرمستقیم مشغولند.

انحصار تکنولوژی همانند سرمایه در کنترل شرکتهای چند ملیتی است و بدنبال انتقال سرمایه شرکت، تکنولوژی نیز بحرکت درآمده و در سطح جهان منتشر میشود. بدین معنی که شرکت

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چند ملیتی و جهانی که اقدام به سرمایه گذاری در کشور جهان سومی علمی نماید در خصوص تأمین تکنولوژی مربوطه نیز اقدام میکند و لکن انتقال تکنولوژی بر اساس شیوه ها و روشها و شرایط خاصی انجام می پذیرد و همانند سرمایه گذاری آثار و عواقبی از خود بجا می گذارد.

کشورهای جهان سوم بعلمت نداشتن نظام آموزشی و تحقیقاتی پویا و محقق پرور و عدم اختصاص سهم مناسبی در بودجه کشور برای فعالیتهای پژوهشی، و نیز کم داشتن نیروی انسانی متخصص و ماهر و محققین ورزیده متأسفانه از سطح تکنولوژی پائین برخوردار بوده و قادر به تولید تکنولوژی محلی و خوداتکا و همپا

با سرعت رشد تکنولوژی امروزی جهان نیست و از طرفی در مقابل سیر فزاینده روند جهشی تکنولوژی در کشورهای توسعه یافته دچار نوعی انفعال و خودکم بینی شده و خود را نیازمند تکنولوژی انتقالی میدانند و از انتقال تکنولوژی توسط شرکتهای چند ملیتی علی رغم شرایط بعضاً مشکل آن استقبال می نمایند.

تکنولوژی به اشکال مختلف به کشورهای جهان سوم منتقل میشود، یکی از روشهای انتقال تکنولوژی استفاده از حق امتیاز یا لیسانس است که تکنولوژی بطور کامل اعم از بررسی بازار روش تولید، طراحی انتخاب ماشین آلات و تجهیزات، کنترل و آزمایش مواد اولیه، روش کنترل کیفی، روش ساخت، خرید مواد، کنترل مالی و اتیبار را شامل میشود (کتاب مشکلات اقتصادی جهان سوم).

یعنی دانش فنی مربوط به کلیه مراحل فعالیت تولیدی از ابتدا تا انتها فروخته میشود.

روش دیگر انتقال تکنولوژی برای بخشی از مجموعه مراحل مختلف فعالیت تولیدی و نیز تأمین تجهیزات و قطعات و مواد اولیه برای فرآیند تولید است. کشورهای واردکننده و خریدار تکنولوژی سعی میکنند از روش اول استفاده نمایند ولی شرکتهای چند ملیتی با انتقال تکنولوژی از طریق مشارکت در سرمایه گذاری با سرمایه گذاران داخلی بیشتر تمایل نشان میدهند. در بین کشورهای مختلف جهان آمریکا بزرگترین صادرکننده تکنولوژی به حساب میآید و شرکتهای چند ملیتی آن از این طریق تسلط خود را بر صنایع کشورهای جهان سوم اعمال می نمایند. نکته قابل توجه اینکه در کشورهای صادرکننده تکنولوژی، بین سهم اعتباری مربوط به توسعه و تحقیق و صادرات تکنولوژی رابطه مستقیمی وجود دارد، مثلاً آمریکا که بزرگترین صادرکننده تکنولوژی میباشد بالاترین نسبت درصد اعتبار توسعه و تحقیق به درآمد ناخالص ملی را در جهان

بمعهد دارد (۳/۴ درصد درآمد ناخالص ملی). منبع: کتاب تجارت بین الملل ص ۱۶۴) و بدلیل سرمایه گذاری در تحقیقات علمی و فنی است که تجارت تکنولوژی بصورت حق امتیاز تولید اکثراً تحت کنترل شرکت‌های چند ملیتی آمریکا وجود دارد.

۲- مسائل مربوط به انتقال تکنولوژی

۱- تجارت تکنولوژی یا بمعبارتی تجارت دانش علمی و فنی بخشی از حجم تجارت بین المللی را بخود اختصاص داده است که از آن به تجارت در «خدمات» تعبیر میشود و پرداخت وجه مربوط بصورت نقدی و یا سهم داشتن شرکت فروشنده در واحد تولیدی خریدار (اعم از شرکت فرعی وابسته و یا آزاد) انجام می پذیرد.

۲- شرکت‌های چند ملیتی مهمترین نقش را در انتقال تکنولوژی بمعهد دارند که بصورت سرمایه گذاری مستقیم در کشورهای جهان سوم و یا مشارکت با مؤسسات محلی و فروش و واگذاری مشروط حق امتیاز تولید به آنها صورت می پذیرد.

۳- بعلمت انحصاری بودن بعضی از تکنولوژیهای پیشرفته و نیز تفاهم شرکت‌های چند ملیتی دارنده تکنولوژی مشابه و نیز کارتها قدرت جهان فنی برای انتقال تکنولوژی، از کشورهای جهان سوم سلب شده و معمولاً به قیمت‌های اعلام شده و شرایط تعیین شده از سوی فروشنده تکنولوژی انجام میشود.

۴- کشورهای صنعتی و فروشنده تکنولوژی سعی میکنند تکنولوژیهای قدیمی و از رده خارج را به کشورهای جهان سوم صادر نمایند و خودشان در صنایع و تکنولوژیهای مدرن و ظریف و استراتژیک نظیر الکترونیک، کامپیوتر و نظیر ماتیگ، انرژی اتمی، مهندسی موشکی و غیره فعالیت می نمایند و عنداللزوم اینگونه تکنولوژیها را نیز با قیمت‌های گزاف به کشورهای دیگر منتقل می کنند. برای مطالعات انجام شده

۷۰٪ تکنولوژیهای منتقله به کشورهای آمریکای لاتین از نوع قدیمی بوده اند.

۵- انتقال تکنولوژی به کشورهای جهان سوم باعث تعمیق وابستگی تکنولوژیکی کشور خریدار به کشور فروشنده میشود بخصوص اینکه شرایط در نظر گرفته شده و نیازمندیهای جنسی در مراحل تولید به تداوم وابستگی کمک می نماید. بنابراین یکی از محورهای وابستگی اقتصادی جهان سوم در بلندمدت به کشورهای سلطه گر همین محور انتقال تکنولوژی می باشد که گسستن آن امری مشکل بنظر می رسد.

۶- کشور توسعه یافته و شرکت‌های چند ملیتی مربوطه از طریق فروش یک نوع تکنولوژی (مثلاً لاستیک - وسائل زندگی و غیره) به چند کشور متعدد و دریافت وجه مربوطه از هر یک از آنها درآمدهای گزافی را به جیب می زنند. در واقع آنها هزینه های تحقیقاتی مربوط به تولید تکنولوژی را برای یکبار متحمل میشوند ولی با فروش آن به کشورهای مختلف، وجه آنها برای چندمین بار دریافت میدارند و بهمین دلیل یکی از شرایط انتقال تکنولوژی سپردن تعهد توسط خریدار برای عدم صدور آن به کشورهای دیگر است.

۷- یکی از مسائل قابل توجه اینکه شرکت‌های چند ملیتی به همراه سرمایه گذاری خود معمولاً تکنولوژی آلودگی را که در کشور خودشان اجازه فعالیت ندارند به کشورهای جهان سوم منتقل میکنند و درآمد زیادی به دست می آورند.

۸- شکاف تکنولوژی بین کشورهای جهان سوم و کشورهای توسعه یافته روز بروز بیشتر میشود و این مسئله نیز به افزایش قدرت اقتصادی و درآمد کشورهای صنعتی و تاراج ثروت و فقر جهان سوم کمک میکند.

۹- در انتقال تکنولوژی معمولاً فروشندگان و شرکت‌های چند ملیتی شرایط زیادی را تعیین میکنند و وارد کننده تکنولوژی ملزم به رعایت آن میشود (حدود ۱۴ شرط). منبع کتاب مشکلات اقتصادی جهان سوم ص ۷۸.

۳- شرایط عمده انتقال تکنولوژی

۱- در بسیاری از قراردادهای انتقال تکنولوژی شرایط اجباری خرید کالاها و واسطه ای و سرمایه ای از فروشنده تکنولوژی گنجانده میشود و اگر هم چنین شرطی در قرارداد لحاظ نشود معمولاً شرکت‌ها از طریق حضور در مالکیت، شرایط مزبور را به دریافت کننده تکنولوژی تحمیل میکنند.

۲- در اکثر قراردادهای انتقال تکنولوژی، شرط ممنوعیت صدور کالاها ساخته شده با استفاده از تکنولوژی انتقال یافته پیش بینی میشود. یعنی کشور دریافت کننده تکنولوژی حق صدور کالای ساخته شده را به بیرون از خود ندارد مگر اینکه در قرارداد اجازه به آن داده شده باشد. این شرط بخاطر جلوگیری از ایجاد رقابت برای شرکت مادر در نظر گرفته میشود. برای مثال در چهار کشور آمریکای لاتین یعنی بولیوی، کلمبیا، اکوادور و پرو، از ۲۴۷ قرارداد انتقال تکنولوژی که منعقد شده بود در ۲۰۰ قرارداد ممنوعیت صادرات لحاظ شده است و در ۱۲ مورد، صادرات در منطقه خاصی مجاز دانسته شده و فقط در ۳۵ مورد ممنوعیت صدور کالا در نظر گرفته نشده است. (کتاب تجارت بین الملل - دکتر مهدی قوی - ص ۱۶۶).

۳- در بعضی از قراردادهای انتقال تکنولوژی، استفاده از مواد اولیه محلی برای خریدار ممنوع میشود.

۴- از دیگر شرایطی که در قراردادهای انتقال تکنولوژی معمولاً در نظر گرفته میشود میتوان از محدودیت حجم کالاها صادراتی به کشورهای دیگر، کنترل قیمت کالاها صادراتی و تعیین راه و روش صادرات کالا و غیره یاد کرد.

همانطور که از مجموعه بحثهای مزبور بدست می آید مشخص میشود که انتقال تکنولوژی به کشورهای جهان سوم با مشکلات زیادی روبروست و نیز تفاوت سطح تکنولوژی و طبعاً تفاوت میزان قدرت بین کشورهای پیشرفته و

جهان سوم افزایش می‌یابد و این امر عامل گسترش وابستگی کشورهای فقیر به کشورهای غنی و استکباری می‌باشد و جالب اینجاست که جهان سوم با همه ضعف و فقر علمی و تکنیکی، همه ساله تعداد زیادی از مغزهای متفکر خود را به نفع کشورهای استکباری از دست می‌دهد و وجود اینها در کشورهای غارتگر صنعتی باعث تقویت بنیه علمی و تکنولوژیکی قدرتمندان جهان می‌شود. (بین سالهای ۷۰-۱۹۶۰ تعداد ۵۳ هزار متخصص به آمریکا مهاجرت کرده‌اند).

کشورهای جهان سوم برای نجات خود از این گرفتاری تکنولوژیکی، باید چاره‌اندیشی نمایند. آنها باید با تجدیدنظر اساسی در نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاههای خود، رفع موانع و تنگناهای تحقیقاتی، و تخصیص درصد قابل توجهی از درآمد ملی کشور جهت توسعه تحقیقات علمی و فنی، الگوی تکنولوژی مناسب خود را برگزینند و بهتر است در گزینش الگو، از تکنولوژی بومی بعنوان زیرساخت استفاده نموده و تکنولوژی مدرن را بر اساس آن استوار نموده و تکامل دهند (البته اگر سیاستهای استکباری و شرکتیهای چندملیتی اجازه دهند). در ایران اسلامی نیز با توجه به فرصت بسیار مناسب فراهم شده در اریزوی انقلاب مقدس اسلامی نباید زمان و فرصتها را از دست داد و باید با استفاده از فرهنگ غنی تکنولوژی بومی بعنوان زیرساخت و تطبیق تکنولوژی مدرن بر آن، الگوی ترکیبی تکنولوژی مناسب ایران را خلق نمود. البته شرط تحقق این امر درک مسئله بوسیله سیاستگذاران علمی و فرهنگی و پژوهشی کشور است و نیز دگرگونی اساسی در نظام آموزشی دانشگاهی و پیش دانشگاهی و نیز نظام پژوهشی کشور.

۴- جلوگیری از توسعه اقتصادی و صنعتی کشورهای جهان سوم:

شرکتیهای چندملیتی با برنامه‌ها و فرآیندهایی که در پیش می‌گیرند عملاً مانع از توسعه اقتصادی و تقویت بنیه صنعتی و علمی و تکنولوژیکی کشورهای مزبور میشوند. روشهای مؤثر آنها در این زمینه عبارتست از:

الف: جهت دادن فرهنگ صنعتی کشور
بسمت صنایع مونتاژ و عمدتاً مصرفی و رفاهی، که در تهیه مواد اولیه، قطعات پدکی، ماشین آلات، کالاهای واسطه و غیره به شرکت مادر نیازمند می‌باشد. توسعه اینگونه صنایع هر چند در ایجاد اشتغال و رشته اقتصادی کاذب مؤثر بوده و فریبنده می‌باشد عملاً مانع از شکل‌گیری نتیجه علمی و تکنولوژیکی خود اتکا و بالنده و ریشه دار می‌شود بهمین دلیل کشورهای جهان سوم در این زمینه توفیقی نداشته‌اند و رشد اقتصادی کشورهای جهان سوم شرق آسیا چون سنگاپور، تایوان، و هنگ کنگ نیز صرفنظر از جنبه‌های ژئوپلیتیکی آن بیشتر ظاهری بوده و مبنی بر صنایع مونتاژ می‌باشد.

ب: با صدور تکنولوژی و صنایع عقب افتاده و از رده خارج عملاً مانع از توسعه تکنولوژیکی اینگونه کشورها میشوند.

ج: کنترل و یا ممانعت از توسعه صادرات کشورهای جهان سوم حتی در تولیدات مربوط به شرکت فرعی مربوطه، و ظناً ایجاد عدم تعادل در موازنه پرداختها و زاینده بودن تکنولوژی آنها.

د: کنترل تحقیق و توسعه علمی و فنی توسط شرکت مادر و جلوگیری از انجام این امر توسط شرکتیهای فرعی ایجاد شده در کشورهای جهان سوم و انحصاری کردن فروش تکنولوژی به کشورهای دیگر. علوم اساسی بطور کلی شرکتیهای چندملیتی سرنوشت صنعت و اقتصاد کشورهای جهان سوم را در کنترل خود دارند و عامل اصلی وابستگی اقتصادی این گونه کشورها به کشورهای صنعتی جهان غرب می‌باشند.

۵- کنترل شبکه توزیع و حمل و نقل کالا در جهان:

شرکتیهای چندملیتی تنها شبکه تولید را در کنترل خود ندارند بلکه شبکه توزیع و سیاستهای مربوطه و شبکه حمل و نقل مربوطه در جهان را

نیز در کنترل خود دارند و با وضع قیمتهای دلخواه و پائین برای مواد اولیه کشورهای جهان سوم، و نیز قیمتتهای بالا برای مصنوعات و تولیدات مربوطه به خود و همچنین وضع هزینه‌های بالای حمل و نقل و حق بیمه، سودهای هنگفتی را به جیب می‌زنند. شرکتیهای مزبور قدرت چانه‌زنی را از کشورها و تولید کنندگان مواد اولیه جهان سومی در بازارهای جهانی سلب کرده‌اند.

۶- قیمت گذاری انتقالی:

شرکتیهای چندملیتی برای کسب سود بیشتر و فرار از پرداخت مالیات به کشورهای میزبان از سیاست قیمت گذاری انتقالی استفاده میکنند. یعنی اینکه شرکت مادر کالاهای صادراتی خود را به شرکتیهای فرعی تابعه به قیمت بالا فروخته و تولیدات شرکتیهای فرعی تابعه را نیز با قیمت گذاری ارزان از کشور میزبان خارج نموده و به حساب شرکتیهای فرعی دیگر باهای بالاتر منظور می‌نماید و یا اینکه ماشین آلات مربوطه را به منظور جابجائی ارز و سود حاصله با قیمت گذاری کاذب به حساب شرکت فرعی دیگر بفروش می‌رسانند.

۷- براندازی حکومتیهای مستقل:

چون منافع شرکتیهای چندملیتی با منافع ملی کشورها در تعارض می‌باشد و حکومتیهای انقلابی و مستقل معمولاً محدودیتهایی را برای شرکتیهای مزبور و شعبات فرعی آنها ایجاد میکنند، متقابلاً شرکتیهای چندملیتی با استفاده از اهرم سرمایه و پول و پرداخت هزینه‌های براندازی و اجیر مزدوران داخلی و غیره، حکومت مستقل کشور میزبان را ساقط می‌نمایند که در قرن اخیر در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین شواهد فراوانی در این زمینه وجود داشته است.

